

شهادت امام کاظم علیه السلام

آیت الله علی رضایی تهرانی

۱۴۴۱/۰۷/۲۴ هجری قمری مقارن با ۱۳۹۸/۱۲/۲۹ هجری شمسی

«أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَالصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَى النَّبِيِّ الْأَعْظَمِ وَنَتِيجَةُ الْعَالَمِ هَادِي السَّبِيلِ وَمَنْجَى الْبَشَرِ سَيِّدِنَا وَمَوْلَانَا حَبِيبِ الْعَالَمِينَ أَبِي الْقَاسِمِ الْمُصْطَفَى مُحَمَّدِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَعَلَى آلِهِ طَيِّبِينَ طَاهِرِينَ الْمُعْصُومِينَ الْمَكْرُمِينَ وَلَعَنَ دَائِرَ عَلَى أَعْدَائِهِمْ أَجْمَعِينَ مِنَ الْآنَ إِلَى قِيَامِ يَوْمِ الدِّينِ

قال الامام ابو الحسن موسى بن جعفر عليه السلام كَلَّمَما أَخَذَ النَّاسُ مِنَ الذُّنُوبِ مَا لَمْ يَكُونُوا يَعْمَلُونَ أَخَذَ اللَّهُ لَهُمَ مِنَ الْبَلَاءِ مَا لَمْ يَكُونُوا يَعُدُّونَ.

شب شهادت جانگداز باب الحوائج الی الله موسی بن جعفر سلام الله علیه هست.

انشاء الله به زودی زائر مرقد منورش در کاظمین بوده باشیم به برکت صلوات بر محمد و آل محمد ادب اسلامی و شیعی ما اقتضا می کند که دین ما و مکتب ما و مقصد ما برای ما همه چیز ما باشد و لذا در سال هایی که عید باستانی نوروز با یکی از وفیات و ایام شهادت اهل بیت عصمت و طهارت تلاقی پیدا می کرده ملت فهیم و بزرگ ایران شهادت را بر عید باستانی ترجیح میدادند و مواظب بودند که مبدا در روز حزن اهل بیت عصمت و طهارت لبخند شادی بر لب نداشته باشند شب شهادت موسی بن جعفر سلام الله علیه است امامی که در بیست سالگی به امامت رسید سی و چند سال در حقیقت این امام همام در این عالم زندگی کرده و با سلاطین مختلف هم عصر بوده و بار امامت رو بر داشته امام موسی بن جعفر دانشگاه علمی امام صادق علیه السلام را ادامه داده و توانسته بار امامت را سالم به دست فرزندش اقا علی بن موسی الرضا علیه السلام برساند روایتی رو از امام کاظم علیه السلام برای شما معنا کنم حضرت فرمودند: كَلَّمَما أَخَذَ النَّاسُ مِنَ الذُّنُوبِ مَا لَمْ يَكُونُوا يَعْمَلُونَ أَخَذَ اللَّهُ لَهُمَ مِنَ الْبَلَاءِ مَا لَمْ يَكُونُوا يَعُدُّونَ. هر چه مردم گناه جدید ایجاد کنند، خدا هم بلا های تازه ای فرو می فرستاد که اصلا برای انها قابل محاسبه نبوده

در ایامی به سر می بریم که بیش از صد و هفتاد کشور با ویروس منحوس کرونا درگیر اند که یکی هم کشور ایران عزیز خود ما است هزاران انسان تا کنون مبتلا شده اند و هزاران انسان تا کنون از دنیا رفته اند و ویروس منحوس کرونا از نظر مقدار حجم میکروبی است بسیار بسیار از یک سلول حتی کوچک تر است

نه بوییده میشه نه دیده میشه و این ویروس می آید و به جامعه ای بشری یک درس بزرگی می دهد و آن اینکه

دست خدای متعال در مدیریت عالم بسته نیست یهودی ها بودند می گفتند يَدُ اللَّهِ مَعْلُولَةٌ دست خدا بسته است نخیر دست خدا باز است و قدرت نمایی می کند ببینید با یک ویروس منحوس چطور بیش از ۱۷۰ کشور را مبتلا کرده و چطور همه رو با اینکه سالم اند خانه نشین کرده

روایت امام کاظم علیه السلام این است: که هر چه انسان ها گناهان جدید اختراع کنند ببینید ما در ۵۰ سال گذشته گناهان مربوط به فضای مجازی نداشتیم اما امروزه فضای مجازی آمده همه رو الوده کرده خوبان رو بعضاً الوده کرده در یک فضای خصوصی رد و بدل انواع عکس ها، فیلم ها، جک ها، طنز های بعضاً الحادی و ضد دینی

خب طبیعی است که خدای متعال هم برای این که تلنگری باشه فَأَخَذْنَا هُمْ بِالْبِأْسَاءِ وَالضَّرَّاءِ ۲

گاهی خدای متعال با سختی ها می خواهد انسان را آزمایش کند بگذرید

موسی بن جعفر شاگردان بسیار خوبی تربیت کرده که ما باید امروزه بگردیم در سراسر دنیا که آیا بتوانیم مثل این شاگردان پیدا کنیم یا نه!

یکی از شاگردان حضرت صفوان جمال است فقیه، بزرگوار، در عین حال اهل کار و کوشش و تلاش اجتماعی کار صفوان شترداری است شترهای فراوانی دارد و این ها به کرایه می دهد هر ساله که هارون می خواهد موکب سلطنتی رو به سمت حج گسیل بدارد از شترهای صفوان کرایه می کرد

در یک مجلسی امام کاظم علیه السلام از صفوان گلایه کرد که چرا صفوان چنین می کند؟

بلافاصله خدمت امام خود رسید عرض داشت اقا من این شترها رو برای سفر صید؛ شکار، سفر، لهو و لعب کرایه نمی دهم. من این شترها را کرایه می دهم برای سفر حج خانه خدا

حضرت فرمودند: شترها رو که به هارون کرایه می دهی همه ی اجرت تو را همان موقع می پردازد یا بخشی از اجرت را می گذارد برای موقع برگشتن از سفر حج؟

گفت: اقا بخشی را میگذارم برای برگشتن از سفر حج امام علیه السلام فرمودند: تو در ته ته دلت دوست داری که هارون سالم بماند برگردد پول کرایه ی شترهای تو رو بدهد

گفت: بله اقا حاضرم این اعتراف رو بکنم که از ته دل دوست دارم لااقل تا آن موقع زنده بماند

حضرت فرمودند: اگر کسی ته دلش راضی باشه یک ظالمی یک ستمگری آن هم مثل هارون یک ثانیه بر عمرش اضافه بشه و قهراً بر ظلم و ستمش اضافه بشه خداوند این فرد رو با آن ظالم محشور می کند

اولین مرتبه ی امر به معروف و نهی از منکر اینکه انسان اگر بدی دید، گناه دید در دلش آزرده بشه دختر خانمی، یک خانمی ارایش کرده امده بیرون داره دلفریبی می کنه باید در دل ناراحت بشه باید در دل اذیت بشه که چرا خدای متعال دارد معصیت می شود

حضرت فرمودند: تو در دلت دنبال این هستی که هارون برگرده و کرایه های تو رو بده یک ثانیه دوست داشته باشی ظالمی، ستمگری بماند و عمرش بیشتر بشود در ستم او شریکی.

عرضه داشت: اقا توبه میکنم به سوی خدا نمی دانستم

بلافاصله از خدمت موسی بن جعفر سلام الله علیه که آمد همه ی شترها رو فروخت موسم حج شد. هارون کسی فرستاد که جناب صفوان شترهایت را آماده کن می خواهیم برویم حج

صفوان پیغام داد من شتری ندارم. همه شترها رو فروختم

صفوان رو خواست گفت شنیدم همه شترهایت رو فروختی

گفت بله

چرا فروختی؟

من پیر شدم غلام و نوکران من دلسوز نیستند درست کار نمی کنند مجبور شدم شترها رو بفروشم

هارون گفت نخیر من می دونم تو چرا شترها رو فروختی تو به امر موسی بن جعفر شترهایت رو فروختی که شترها رو به من کرایه ندی

بعداً قسم خورد که اگر ما رفاقت قدیمی نداشتیم حق صحبت قدیمی نداشتیم آن چرا که چشمان تو در او است از بدنت جدا می کردم یعنی سر از تنت جدا می کردم

صفوان برگشت آمد چیزی نگذشت دسیسه ای کردند و صفوان را دستگیر کردن چی از صفوان می خواستند؟

خواسته شان از صفوان جمال این بود: که نام شیعیان مخفی رو تو باید برای ما بگی

هارون می خواست در یک هجمه شیعیان موسی بن جعفر رو مانند خود امام موسی بن جعفر که چند سال به زندان انداخته بود بگیرد دستگیر کند صفوان مقاومت کرد تو زندان ماند و ماند و ماند ریختند منزلش هر چه داشت را غارت کردند احادیثی رو که از طرف موسی بن جعفر سلام الله علیه نوشته بود این ها رو زیر خاک قبلا پنهان کرده بود که اگر مامورین حکومتی ریختند علوم ال محمد سلام الله علیهم اجمعین از بین نرود

خب

ریختند اموالش رو غارت کردند

فامیل از دورش پراکنده شدند

او هم در زندان بود.

یک روز هارون گفت هر طور شده باید باشکنجه او را مقرر کنیم

آوردنش وسط مجلس خواباندن شروع کردن شلاق زدن. خود صفوان بعدها تعریف می کند، ۵۰۰ شلاق به بدن مبارک صفوان جمال زدند که دیگه داشت جاننش در حقیقت از بدنش خارج می شد دیدن فایده نداره آن کسی که می زد گفت هنوز افشاء نمی کنی؟

اسم شیعیان را لو نمی دهی؟

گفت اگر پای من بر روی اسامی شیعیان باشد و من بخواهم یک لحظه پا خودم را بردارم که تو بینی دوباره پا را بر روی اسامی بگذارم به همین مقدار با شما همکاری نمی کنم به شلاق زدن خودت ادامه بده من در راه دین تحمل می کنم.

هارون دید فایده ندار دست برداشت بدن مجروح و شلاق خورده او را از زندان بیرون انداختند چون نگه داشتن او فایده ای نداشت.

خب

کشان کشان خودش را رساند به یک مسکنی که داشت. حالا باید به مداوای جراحت ها پردازد دوره نقاهت یکی دو روز بعد دید در خانه را میزن آمد در خانه رو باز کرد دید یکی از شیعیان موسی بن جعفر سلام الله علیه هست. پرسید چیکار داری این موقع شب؟

گفت: من شنیدم تو از زندان آزاد شدی همه ی اموالت رو مصادره کردند. هیچ نداری قرضی از تو گرفته بودم و با آن قرضی که گرفته بودم خانه ی خریده بودم دیدم تو چیزی نداری خانه را فروختم پول رو آوردم خانه تقدیم کنم قرض باید اداء بشه الانم که تو محتاجی.

صفوان گفت تو اشتباه کردی تو بیخود کردی

گفت چطور من اشتباه کردم صفوان گفت من روایت که از اهل بیت یاد می گیرم یاد نمی گیرم فقط بخوانم نقل کنم و بنویسم روایت برای عمل کردن است خودم از موسی بن جعفر شنیدم **لَا يَخْرُجُ الْمُؤْمِنُ عَنْ دَارِهِ لَدِينِهِ** انسان مومن نباید بخاطر دین از خانه اش که خانه سرپرست زن و بچه است بیرون بره و خانه اش از دست بده بخاطر دین کسی رو از خانه اش نباید آواره کرد.

هر کاری کرد این مرد مومن صفوان گفت به تک تک درهم هاش بلکه به یک درهم این پول من نیاز دارم اما والله یک درهم از تو نمی گیرم برو خانه ات رو پس بگیر بگذار زن و بچه ات در آن بنشینند عزیزان من این ایستادن رو مبانی این زجر کشیدن در راه دین این حفظ کردن نظر اهل بیت عصمت و طهارت تا فهمید صفوان جمال که نباید شتر نگه داره، رد کرد

حالا من نوجوان می دانم نباید اگر خود کنترلی ندارم برم تو شبکه های مجازی بچرخم. اهل بیت راضی نیستند خب نباید این کار رو انجام بدم بعد این حرف گوش کردن که حالا یک روایت شنیده از موسی بن جعفر سلام الله علیه که **لَا يَخْرُجُ الْمُؤْمِنُ لَدِينِهِ** عن داره به این روایت داره عمل می کنه این نشانگران است که اگر ما بخواهیم حقیقتاً در این شب شهادت موسی بن جعفر سلام الله علیه عید واقعی رو تجربه کنیم

عید یعنی عود. عود یعنی بازگشت. عید یعنی توبه. عید یعنی عاد یعود یعنی برگردد انسان به سمت خوبی ها برگردد به سمت فضائل برگردد به سمت راه و منش موسی بن جعفر سلام الله علیه که چند سال در زندان بود. من به یکی از عزیزان کادر موسسه ی مبارکه ی امیری حسین هم گفتم. گفتم وقتی موسی بن جعفر سلام الله علیه وارد زندان شد افتاد به سجده شکر گفت خدایا سال ها بود از تو می خواستم یه خلوتی برای من پیدا بشود من با تو خلوت کنم.

الان کرونا آمده همه خانه نشین شده اند. این رو انسان قدر بدانند. یه خلوتی این دعای ماه رجب بخواند تو معانی اش دقت کند. سعی کند قرآن شروع کند مطالعه کردن یک مقداری مطالعاتش رو بالا ببرد یک مقداری سعی کند به خودش برسد برگرده گذشته خودش رو مرور کند ببیند نسبت به قبل بهتر شده بدتر شده. اگر حق الناس به گردن دارد تلفن بزند حالا که حضوری نمی شود رفت و سعی کند از دل افراد آن کینه های رو که نسبت به هست را بیرون کند کرونا باعث بشه انسان یک بار خروج از قبر رو به صورت واقعی تجربه کند قرآن می فرماید وقتی از قبر انسان ها بالا می آیند کسی کسی را نمی شناسد همه از هم فرار می کنند هرکسی دنبال این است که کلاهش را سفت بگیرد باد نبرد.

کرونا باعث بشه انسان حواسش باشد مخصوصاً در خانه که هستید به پدر و مادر بیشتر کمک کنید به افراد خانه بیشتر کمک کنید خانه رو با نشاط قرار بدید. ما روز بیست و پنجم ماه رجب شهادت موسی بن جعفر رو داریم روز بعدش شهادت حضرت ابوطالب که امام صادق فرمود ایمان ابوطالب رو اگر در یک کفه ترازو بگذارند ایمان همه مردم غیر از انبیاء و اوصیاء در کفه دیگر گذاشته شود در روز قیامت ایمان ابوطالب وزنش بیشتر است. عاشق

پیغمبر بود، **وَلَقَدْ عَلِمْتَ يَا دِينَ مُحَمَّدٍ مِنْ خَيْرِ أَدْيَانِ الْبَرِيَّةِ** دینا گفت من میدانم دین پیغمبر بهترین دین است بخاطر تقیه به ظاهر ایمان نیاورد که بتواند جان پیغمبر رو حفظ کند و لذا خدا هدیه به ابوطالب داده مثل امیر المومنین سلام الله علیه که ما بخواهیم نگاه کنیم به شخصیت علوی باید چنان نگاه کنیم که کلاه از سر مان می افتد اینقدر بلند است روز شهادت حضرت ابوطالب را هم باید گرامی بداریم بعد هم روز مبعث است و دیگه شادی ها شروع میشه آغاز شعبان هم که ولادت امام حسین، حضرت ابالفضل، امام سجاد علیهم السلام را داریم وارد ایام عید و سرور می شویم و انشاءالله این کرونا هم از بین میره امام کاظم علیه السلام فرمودند خدایا من می خواستم از تو که خلوتی که آنجا عبادت کنم و خدا روزی کرد حضرت به زندان که رفتند گفتند سحر بلند می شدن نماز شب با همان وضو نماز صبح می رفتند به سجده نزدیک بلند می شدند با همان وضو سحر نماز ظهر و عصر شان را می خواندن هر روز هم روزه بودند.

هارون یک نفر رو فرستاد می خواهم عزت نفس را یاد بگیرید هارون یک نفر فرستاد برو به موسی بن جعفر نگو امیر المومنین بگو پسر عموت پیغام داد چون اینجا خانه شما نیست و ما هم مزاج ، مضاق شما دستمون نیست هر غذایی بخواهید سفارش بدهید ما برای شما از دربار بیاوریم طرف آمد نقل می کند دیدم حضرت نماز پشت سر نماز نمی توانم حرفم را بزنم مشغول تشهد بود اشهد ان لا اله الا الله گفتم پسر عموتون سلام رسونده اینچنین گفته حضرت یک کلمه جواب نداد بلند شد نماز بعدی رو بخواند یک جمله گفت فرمود : **لا حاظری مالی ولم اخلق سوا اموال** پیشم نیست خودم تصرف کنم و ما اهل بیت اهل گدایی کردن اهل ذلت نیستیم. الله اکبر شروع کرد نماز خواندن تو بند اماشیر هارون رو تخت اما روباره است چون شخصیت افراد است که هویت انسان ها رو رقم میزند تو بند قرار دارد اما اینطور مثل شیر می غرد و با ظلم می ستیزد. خب عرض توسلی هم با این دو کلمه داشته باشم همین امام که در زندان فرمود خدایا شاکرت هستم روزی کردی من توانستم خلوتی پیدا کنم با تو خلوت کنم نمی دانیم در زندان سندی بن شاهک چه به حضرت گذشت که لحن سخن عوض شد فرمود یا مخلص لبن ای کسی که در سینه مادر شیر را از بین چرک و خون جدا می کنی ای کسی که ریشه درخت رو بدون گل اب و خاک پیش میبری صبرم تمام شده من رو از این زندان خلاص کن انقدر به حضرت سخت گذشته بود که این روزهای آخر گریه می کرد این روزهای آخر از خدا می خواست خدای متعال او را از زندان سندی بن شاهک رهایی بخشد همینطور هم شد وقتی آقا رو مسوم کردند عده ای رو آوردند دیدن که بگن اقا به مرگ طبیعی از دنیا رفته است هشتاد نفر از بزرگان رو در مقابل آنها حضرت فرمودند من به مرگ طبیعی از دنیا نمیرم من را مسوم کردند فردا بدنم کبود میشود و پس فردا من از دنیا میرم. یه جمله بگیم یا موسی بن جعفر شما غریبانه در زندان از دنیا رفتید اما دیگه در کنار شما خواهری نبود نگاه کنه دختری نبود نگاه کنه بگیم لا یوم کیومک یا ابا عبد الله السلام علیک یا باب الحوائج الی الله یا موسی بن جعفر صلوات الله علیه

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ»

فهرست منابع

۱. آیه ۶۴ سوره مائده

۲. آیه ۴۲ سوره انعام